

## پرسش‌ها و پاسخ‌های صدای سکه

۱- داستان با چه جمله‌هایی آغاز شده بود؟

**جواب:** یکی بود، یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود.

۲- این داستان در چه مکان‌هایی اتفاق افتاده است؟

**جواب:** جنگل، بازار، محکمه قاضی

۳- هنگام شکستن هیزم‌ها توسط هیزم‌شکن، مردی که به دنبال او بود، چه می‌گفت؟

**جواب:** آه

۴- هیزم‌شکن چه تصویری درباره مرد بیکار داشت؟

**جواب:** فکر می‌کرد او دیوانه است.

۵- چرا مرد بیکار از هیزم‌شکن تقاضای مزد کرد؟

**جواب:** زیرا فکر میکرد که با اه گفتن در کار هیزم شکن شریک است.

۶- چرا مرد بیکار، هیزم‌شکن را نزد قاضی برد؟

**جواب:** چون از او طلب مزد کرد و هیزم شکن زیر بار نرفت.

۷- قاضی پس از شنیدن سخنان آن مرد، از هیزم شکن خواست تا چه چیزی را به او بدهد؟

**جواب:** سکه‌هایی که از فروش هیزم‌ها به دست آورده بود.

۸- پس از آنکه قاضی سکه‌ها را بر زمین ریخت، مرد بیکار چه گفت؟

**جواب:** یعنی چه؟ مگر صدای سکه را هم میتوان به عنوان مزد برداشت جناب قاضی؟!

۹- قاضی در پاسخ به پرسش مرد بیکار، که چرا به جای سکه باید صدای سکه نصیب او شود، چه گفت؟

**جواب:** کسی که برای هیزم شکن فقط میگوید اه و مزدش میشود صدای سکه. برو با صدای سکه هرچه

میخواهی بخر و شاد باش

۱۰- محتوای این داستان، با کدام ضرب‌المثل، تناسب ندارد؟

الف) برو کار می‌کن، مگو چیست کار.

ب) مُزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

ج) از کوزه همان برون تراود که در اوست

د) نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود.

**الف) برو کار می‌کن، مگو چیست کار:**

این ضرب المثل به ما یادآوری می‌کند که به جای وقت گذراندن در فکر کردن به اینکه چه کاری باید انجام دهیم، بهتر است دست به کار شویم و کاری را انجام دهیم

**ب) مُزد آن گرفت جان برادر که کار کرد:**

هیچ موفقیتی بدون زحمت و تلاش به دست نمی‌آید.

**ج) از کوزه همان برون تراود که در اوست.**

گفتار و رفتار افراد، نشان دهنده‌ی درون آن‌ها و افکارشان است.

**د) نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود.**

هیچ موفقیتی بدون تلاش و پشتکار بدست نخواهد آمد